

قطعه‌نامه‌ها و تصمیمات

حزب کارگر

سوسیال دموکرات روسیه

۱۸۹۸-۱۹۱۷

قطعهنامه ها و تصمیمات

حزب کارگر

سوسیال دموکرات روسیه

۱۸۹۸-۱۹۱۷

از انتشارات سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

— کمیته خارج کشور

قطعهنامه ها و تصمیمات حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه ۱۸۹۸-۱۹۱۷ از انتشارات سازمان

چریکهای فدائی خلق ایران

چاپ اول دی ۱۳۶۳.

ترجمه از کتاب:

Resolutions and Decisions of the Russian Social Democratic Labour Party 1898-1917.

Printed in Great Britain by A. Wheaton & Co. Ltd, Exeter

فهرست

صفحه	عنوان
۴	* <u>کنگره سوم ۲۷-۱۲ آوریل ۱۹۰۵</u>
۴	۱۶- اساسنامه حزب
۶	۲۳- درباره پشتیبانی از جنبش دهقانی
۷	* <u>کنفرانس سراسری اول منشویکها آوریل ۱۹۰۵</u>
۷	۳۰- اساسنامه تشکیلاتی
۹	۳۶- درباره اتحادیه های کارگری
۱۰	۳۸- درباره کار در بین دهقانان
۱۲	* <u>کنفرانس سراسری دوم منشویکها ۲۰ نوامبر ۱۹۰۵</u>
۱۲	۴۰- درباره عضویت حزب
۱۳	۴۱- درباره تشکیلات حزب
۱۳	۴۲- درباره وحدت جناحهای بلشویک و منشویک
۱۴	* <u>کنفرانس اول حزب (تامرفرس) ۱۷-۱۲ دسامبر ۱۹۰۵</u>
۱۵	۴۳- درباره ادغام مراکز

- ۱۵ _ ۴۴ (درباره ادغام فوری سازمانهای محلی هم سطح))
- ۱۵ _ ۴۵ درباره فراخوان کنگره وحدت حزب
- ۱۶ _ ۴۶ درباره تجدید سازماندهی حزب
- ۱۶ * کمیته مرکزی متحد ژانویه ۱۹۰۶
- ۱۷ _ ۴۹ ((درباره اتحاد حزب))
- ۱۹ * کنگره چهارم (کنگره وحدت) ۲۵-۱۰ آوریل ۱۹۰۶
- ۲۰ _ ۵۰ اساسنامه تشکیلاتی
- ۲۱ _ ۵۳ درباره روش برخورد به جنبش دهقانی
- ۲۲ _ ۵۷ درباره اتحادیه های کارگری
- ۲۳ _ ۵۸ شرایط ادغام سوسیال دموکراتهای لهستان و لیتوانی با حزب
- ۲۴ _ ۵۹ پیش نویس شرایط برای اتحاد بوند با حزب
- ۲۵ * کنگره پنجم (کنگره لندن) ۳۰ آوریل _ ۱۹ مه ۱۹۰۷
- ۲۶ _ ۶۲ اساسنامه تشکیلاتی
- ۲۷ _ ۶۳ درباره روش برخورد به احزاب غیر پرولتری
- ۲۹ _ ۶۴ درباره کنگره کارگران و سازمانهای کارگری غیرحزبی
- ۳۰ _ ۶۸ درباره اتحادیه های کارگری
- ۳۰ * کمیته مرکزی در باره فعالیتهای علنی فوریه ۱۹۰۸
- ۳۱ _ ۷۳ درباره اتحادیه های کارگری
- ۳۲ _ ۷۴ ((درباره تعاونیها))
- ۳۴ * یادداشتهای کمیته ترجمه

کنگره سوم

۲۷-۱۲ آوریل ۱۹۰۵

کنگره سوم حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه که از ۱۲ تا ۲۷ آوریل ۱۹۰۵ در لندن برگزار شد، در واقع کنگره ای کاملاً بلشویکی بود. منشویکها آن را تحریم کرده و کنفرانس (سراسری اول) خود را بطور همزمان در ژنو برگزار کردند.

پس از پایان کنگره دوم (۱۹۰۳) و پیدایش بلشویسم و منشویسم، منشویکها با نقض مصوبات کنگره نهادهای مرکزی حزب را یکی پس از دیگری در دست گرفتند. پلخانف ﴿...﴾

۱۶- اساسنامه حزب

۲۱ آوریل ۱۹۰۵

۱- عضو حزب کسی است که برنامه آنرا پذیرفته، به آن کمک مالی کند و در یکی از سازمان های حزب شخصاً فعالیت کند.

۲- ارگان عالی حزب کنگره حزب است. کنگره هر سال توسط کمیته مرکزی حزب فرا خوانده می شود. کمیته مرکزی موظف است در صورت درخواست آن تعداد سازمان های حزبی که مشترکاً نصف آرا را در کنگره حایز باشند، کنگره را در ظرف دو ماه فرا خواند. کنگره در صورتی رسمیت پیدا می کند که در آن سازمان هایی که مشترکاً حایز بیش از نصف آرا هستند، حضور داشته باشند. تبصره یک - چنانچه کمیته مرکزی در صورت درخواست نصف کمیته ها از فرا خواندن کنگره سر باز زند، کنگره توسط کمیته تشکیلاتی که توسط کنفرانس نمایندگان کمیته های واجد شرایط انتخاب شده باشد، فرا خوانده می شود. کمیته تشکیلاتی در فرا خواندن کنگره از کلیه حقوق کمیته مرکزی برخوردار است.

تبصره دو - صورت سازمان هایی که جدیداً تأیید شده اند، همراه با تاریخ تصویبشان توسط کمیته مرکزی، باید فوراً در ارگان مرکزی منتشر شوند.

۳- سازمان های زیر حق نمایندگی در کنگره را دارند:

الف - کمیته مرکزی؛

ب - تمام کمیته های محلی که به اتحادیه های خاصی تعلق ندارند؛

ج - سازمان های دیگری که معادل کمیته هستند؛

د - تمام اتحادیه های کمیته هایی که توسط حزب به رسمیت شناخته شده اند.

هر یک از سازمان های فوق به وسیله یک نماینده با یک حق رأی در کنگره نمایندگی میشود؛ کمیته مرکزی با دو نماینده و هر کدام با یک حق رأی در کنگره نمایندگی می شود؛ یکی از این نمایندگان باید سردبیر ارگان مرکزی باشد.

نمایندگی اتحادیه ها با قواعد ویژه ای تعیین می شود.

تبصره یک - تنها آن سازمانهایی حق نمایندگی دارند که حداقل شش ماه قبل از ((تشکیل)) کنگره تأیید شده باشند.

تبصره دو - کمیته مرکزی می تواند نمایندگان سازمان هایی را که حایز شرایط تعیین شده در تبصره یک نباشند، با نظر مشورتی به کنگره دعوت کند.

۴- کنگره، کمیته مرکزی را انتخاب می کند.

۵- کمیته مرکزی، حزب را در ارتباط با احزاب دیگر نمایندگی می کند؛ یکی از اعضا خود را به سمت سردبیر ارگان مرکزی تعیین می کند؛ کمیته ها، اتحادیه های کمیته ها و نهادهای دیگر حزبی را سازماندهی کرده و فعالیتهای آنها را هدایت می کند؛ امور کلاً مهم حزبی را سازماندهی و اداره می کند؛ افراد و وجوه حزبی را تخصیص می دهد و عهده دار خزانه مرکزی حزب است؛ اختلافات درونی و مابین نهادهای حزبی مختلف را حل و فصل می کند؛ و به طور کلی تمام فعالیتهای حزب را هماهنگ و رهبری می کند.

۶- کلیه سازمانهای بنیادی حزب (محلی، رایون(۵))، کمیته های کارخانه و غیره) در کلیه امور قلمروی که مخصوصاً و منحصرأً برای پیشبرد فعالیت حزبی در آن قلمرو ایجاد شده اند خودمختارند؛ درجه خودمختاری گروهایی (مثل گروه های انتشاراتی، گروههای تبلیغی و غیره) که وظایف ویژه دارند، به وسیله مراکزی که آنها را ایجاد کرده تعیین می شود.

۷- هر سازمانی که توسط کنگره یا کمیته مرکزی تأیید شده باشد، حق دارد به نام خود نشریات حزبی انتشار دهد. کمیته مرکزی موظف است در صورت درخواست پنج کمیته واجد شرایط، انتشارات هر سازمان حزبی را پخش کند. کلیه نشریات حزبی موظف اند بیانیه های کمیته مرکزی را در صورت درخواست آن منتشر کنند.

۸- تمام سازمانهای حزبی باید توسط کمیته مرکزی تأیید شوند بجز آنهایی که مورد تصویب کنگره قرار می گیرند؛ سازمانهای محلی پیرامونی ((مثل هسته ها، کمیته های کارخانه و رایون)) توسط مراکز محلی تأیید می شوند. کلیه تصمیمات کمیته مرکزی برای تمامی سازمانهای حزب لازم الاجراست. سازمانهای حزب همچنین موظف اند بیست درصد دریافتیهای خود را به خزانه مرکزی واریز کنند، بجز «کمیته سازمانهای خارج از کشور» که باید نود درصد دریافتیهای خود را به کمیته مرکزی تحویل دهد.

۹- کمیته محلی در صورت موافقت دوسوم اعضای کمیته مرکزی و دو سوم کارگران متعلق به سازمانهای حزبی محل باید توسط کمیته مرکزی منحل شود.

۱۰- هر عضو و یا هر شخصی با هرگونه ارتباط با حزب حق دارد درخواست کند که همه بیانیه هایش به شکل اصلی خود به کمیته مرکزی، ارگان مرکزی و یا کنگره حزب ارائه شود.

۱۱- هر سازمان حزبی موظف است که تمام اسناد مربوط به فعالیتهای و افراد خود را در دسترس کمیته مرکزی و هیات تحریریه ارگان مرکزی قرار دهد و گزارش دقیق فعالیتهای خود را حداقل هر دو

هفته یکبار به کمیته مرکزی تسلیم کند.

۱۲- تمام سازمانهای حزبی مسایل را با اکثریت ساده آرا حل می کنند؛ سازمانهای خودمختار حق عضوگیری جدید دارند. برای عضوگیری جدید یا اخراج اعضای حزب اکثریت دوسوم آرا لازم است. کمیته های محلی حق دارند اعضای خود را در سازمانهای پیرامونی خودمختار جای دهند. تصمیمات مربوط به عضوگیری و یا اخراج اعضا می تواند برای پژوهش به کمیته مرکزی ارجاع شود. عضوگیری جدید برای کمیته مرکزی باید به اتفاق آرا باشد. در کمیته ها و سازمانهای مشابه محلی عضوگیری نامزدهای رسمی پیشنهاد شده توسط کمیته مرکزی و یا سازمانهای پیرامونی خودمختار با اکثریت ساده آرا انجام می گیرد.

۲۳- درباره پشتیبانی از جنبش دهقانی

۲۰ آوریل ۱۹۰۵

نظر به اینکه:

۱- جنبش رو به رشد دهقانی به رغم خود بخودی بودن و فقدان آگاهی سیاسی به ناگزیر علیه نظام موجود و کلیه بقایای سرواژ به طور کلی چرخش خواهد کرد؛

۲- یکی از وظایف سوسیال دموکراسی پشتیبانی از هر جنبش انقلابی علیه نظام اجتماعی و سیاسی موجود است؛

۳- به این دلیل سوسیال دموکراتها باید در جهت زدودن محتوای انقلابی دموکراتیک جنبش دهقانی از کلیه ناخالصی های ارتجاعی کوشش کنند، آگاهی انقلابی دهقانان را ارتقا دهند و خواستههای دموکراتیک آنها را به انجام رسانند؛

۴- حزب سوسیال دموکرات، به مثابه حزب پرولتاریا، موظف است همیشه و تحت هر شرایطی برای سازماندهی مستقل پرولتاریای روستا پیگیرانه اقدام کند و تضاد آشتی ناپذیر منافعشان را با منافع بورژوازی دهقانی به آنها توضیح دهد -

بنابراین کنگره سوم حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه کلیه سازمانهای حزبی را موظف میسازد که:

الف - در کار ترویجی خود در بین بخشهای وسیع مردم اعلام کنند که حزب سوسیال دموکرات از کلیه ابتکارات انقلابی دهقانان که قادر به بهبود شرایط زندگی آنها باشد، تا حد مصادره زمینهای متعلق به زمین داران بزرگ، دولت، کلیسا، صومعه ها و خانواده سلطنتی به بیشترین حد پشتیبانی می کند؛

ب - بعنوان شعار عملی برای تبلیغ در میان دهقانان و به عنوان وسیله ای برای القای بیشترین حد آگاهی در جنبش دهقانی، مسئله تشکیل فوری کمیته های دهقانی انقلابی را، که هدف آنها انجام کلیه رفرمهای انقلابی دموکراتیک به قصد نجات دهقانان از یوغ پلیس، بوروکراسی و زمین داران

بزرگ است، مطرح کنند؛

ج - به منظور مختل کردن حکومت استبدادی و تداوم اعمال فشار انقلابی بر آن، در بین دهقانان و پرولتاریای روستا انواع تظاهرات سیاسی و همچنین امتناع دستجمعی از پرداخت بدهیها و مالیاتها، از انجام خدمت سربازی، و اطاعت از احکام و دستورات دولت و یا مأمورانش را برانگیزند؛

د - برای تشکیلات مستقل پرولتاریای روستا و اتحاد آن با پرولتاریای شهر زیر پرچم حزب سوسیال دموکرات و گنجاندن نمایندگانشان در کمیته های دهقانی کوشش کنند.

کنفرانس سراسری اول منشویکها

آوریل ۱۹۰۵

منشویکها با تحریم کنگره سوم، کنفرانس اول خود را بطور همزمان در ژنو برپا کردند. قطعنامه هایی که در این کنفرانس به تصویب رسید، درباره همان موضوعاتی بود که بلشویکها در کنگره سوم بحث کردند. همان طور که مصوبات کنگره سوم را می توان عصاره تئوری لنینیستی انقلاب دموکراتیک نامید، مصوبات کنفرانس منشویکها نیز عصاره تئوری منشویکی درباره انقلاب دموکراتیک است. منشویکها اصل هژمونی پرولتاریا در انقلاب دموکراتیک را نفی کرده و بورژوازی لیبرال را نیروی محرکه اصلی و رهبر انقلاب می دانستند. آنان برای اتحاد پرولتاریا با دهقانان اهمیتی قائل نبودند.

تضاد آشتی ناپذیر بین ﴿...﴾

۳۰ - اساسنامه تشکیلاتی

کنفرانس در تلاش خود برای تضمین شرکت هر چه وسیع تر فعالین حزبی در تدوین و هدایت سیاست حزب، یک سلسله معیارهای تشکیلاتی را برای اصلاح فعالیت محلی پیشنهاد می کند. کنفرانس لازم می داند متذکر شود که از طریق این معیارها تلاش دارد تا آن میزان لازم از دموکراتیزه کردن را که زمان ایجاب می کند و در کلیه سازمانهای پیشرو قابل تحقق است، وارد زندگی تشکیلاتی حزب کند. کنفرانس در عین حال توصیه می کند که سازمانهای محلی در هر کجا که شرایط مطلوب باشد برای دموکراتیزه کردن بیشتر گام بردارند؛ از یک سو، میزان نفوذ هسته های سازمانی پایین تر را بر فعالیت عملی حزب افزایش دهند و از سوی دیگر، به تدریج اصل انتخابات را در نظام تشکیلاتی محلی وارد کنند.

۱- «مجمع سیاسی راهنما» (۶) در هر شهری از کمیته شهر و کمیته های رایون آن شهر تشکیل می شود.

تبصره - گروههایی مثل گروههای دهقانی و نظامی که با بخشهای خاصی از مردم کار میکنند، به

- همراه کمیته های رایون و با حقوق مساوی با آنها وارد مجمع راهنمای آن ناحیه می شوند.
- ۲- کمیته رایون از افرادی که نقش فعالی در کار سازمان همان رایون دارند، تشکیل می شود.
- ۳- کمیته رایون همچنین شامل نماینده ای از کمیته شهر است. کمیته شهر در صورت درخواست اکثریت اعضای کمیته رایون، باید نماینده خود را احضار کرده و فرد دیگری را به جای او بگمارد.
- ۴-
- الف - کلیه تصمیمات مشخص کننده موضع کل سازمان به عنوان نماینده محلی حزب، در مورد مسایل سیاسی یا حزبی با رأی اکثریت اعضای کمیته رایون و کمیته شهر اتخاذ می شود.
- ب - در کلیه موارد فعالیت عملی که به شرکت فعالانه و اجباری تمام اعضای سازمان نیاز دارد، کل سازمان محلی باید در مباحثات و رأی گیری شرکت کند.
- تبصره یک - در موارد استثنایی که قابل تعویق نبوده و کمیته شهر می بایست سریعاً و قبل از اطلاع از نظر کمیته های رایون اقدام کند کمیته شهر حق دارد مستقلاً عمل کند، ولی باید بعداً فعالیت های خود را به کمیته های رایون گزارش دهد.
- تبصره دو - هرگونه پیشنهادی به کمیته شهر از طرف هر گروهی از یک سازمان محلی، باید مورد بحث و رأی گیری کل مجمع راهنما قرار گیرد.
- ۵- کمیته شهر موظف است در فواصل معینی فعالیت های خود را به کمیته های رایون گزارش دهد. اینگونه گزارشها همچنین باید به درخواست اعضای کمیته رایون بر مبنای خاصی ارائه شود.
- ۶- اگر اکثریت اعضای کمیته های رایون نسبت به کمیته شهر اظهار بی اعتمادی کنند، کمیته شهر بنا به توافق متقابل بین کمیته ابلاست (۷) و کمیته های رایون تجدید سازمان می شود.
- ۷- اگر کلیه اعضای کمیته شهر دستگیر شوند یا به دو نفر تقلیل یابد، طبق بند فوق بازسازی می شود.
- ۸- تشکیل کمیته شهر در جایی که قبلاً وجود نداشته با توافق متقابل بین کمیته ابلاست و هیأتی از فعالین حزبی مسئول انجام می گیرد.
- ۹- کمیته های رایون از طریق توافق بین مجمع راهنما و سازمانهای پایین تر همان رایون تجدید سازمان می شود.
- ۱۰- نمایندگان اعزامی به کنگره های ابلاست و سراسری طبق رویه تعیین شده توسط مجمع راهنمای همان ناحیه انتخاب می شوند.
- ۱۱- کمیته های ابلاست، که شامل سه تا پنج عضو بوده و به وسیله کنگره های ابلاست انتخاب می شوند، به عنوان ارگان های دائمی متحد کننده فعالیت های سازمانهای محلی و برقراری ارتباط بین آنها عمل می کنند.
- تبصره یک - سن پترزبورگ به عنوان یک سازمان ابلاست خودمختار محسوب می شود.
- تبصره دو - در صورت امکان کلیه اعضای کمیته های ابلاست در فعالیت محلی شرکت میکنند.

(۱۲) - این بند احتمالاً به دلیل مخفی کاری حذف شده است.)

۱۳- کنفرانس عادی، متشکل از کمیسیون اجرایی و نمایندگان کلیه کمیته های ابلاست، نهادی است که کلیه فعالیتهای حزبی را متحد می کند. این کنفرانسها وظایف کمیته مرکزی را انجام میدهند.

تبصره - کمیسیون اجرایی در سن پترزبورگ قرار داشته و در صورت امکان کلیه اعضای آن در فعالیت محلی شرکت می کنند. کمیسیون اجرایی در کنفرانسهای عمومی کلیه اعضای کمیته مرکزی انتخاب می شود.

۳۶- در باره اتحادیه های کارگری

نظر به اینکه:

انقلابی که کشور ما مجبور به گذار از آن است، نه فقط روابط تولیدی سرمایه داری را نابود نمی کند، بلکه حتی محرک جدید و نیرومندی برای توسعه این روابط فراهم می سازد؛ پرولتاریا که مجبور به فروش کارش در بازار است، باید در اتحادیه های کارگری متشکل شود و برای مطلوب ترین شرایط اشتغال و کار مبارزه کند؛

یکی از مهم ترین دستاوردهای پرولتاریای روسیه در انقلاب آینده حق تشکیل آزادانه چنین اتحادیه ها، و همچنین حق جمعی خودداری از کار در شرایط نامناسب برای کارگران خواهد بود؛ اگر حزب ما اهمیت بسیار زیاد این حقوق را به کارگران تأکید نکرده و آنان را در زمان مناسب برای کسب این حقوق رهبری نکند، از وظایف خود نسبت به کارگران سر باز زده است؛ کسب این حقوق در فضای هیجان انقلابی شدیداً آسان می شود -

لذا کنفرانس به کلیه سازمانهای حزبی توصیه می کند که فوراً تبلیغات گسترده ای را برای تشکیل اتحادیه های کارگری، که صرف ایجاد آنها نشانه نزدیکی کسب نهایی این حقوق است، در بین کارگران دامن بزنند؛ کنفرانس همچنین موارد زیر را توصیه میکند:

۱- پشتیبانی از کلیه تلاشهای کارگران برای ایجاد اتحادیه های کارگری جهت دفاع از منافع اقتصادی شان، و درخواست تشکیل چنین اتحادیه به رغم قوانین بازدارنده موجود؛

۲- برقراری نشستهای منظم نمایندگان اتحادیه های کارگری مختلف، یا نمایندگان مؤسسات صنعتی (سرکارگران، اعضای منتخب و غیره) به منظور برقراری ارتباط دایم بین آنها؛

۳- حفظ ارتباطات دایم بین سازمانهای حزبی و اتحادیه های کارگری، و کمک مداوم به آنها به وسیله منابع پرسنلی و تکنیکی موجود در سازمانهای حزبی؛

۴- شرکت اجباری کلیه کارگران عضو حزب در اتحادیه های کارگری موجود، یا در اتحادیه هایی که ممکن است در محل کار آنها تشکیل شوند؛

۵- نمایندگی اتحادیه های کارگری که برنامه حزب را می پذیرند در تشکیلات عمومی حزب.

حزب سوسیال دموکرات روسیه، بعنوان یک حزب پرولتری، برای سازماندهی کارگران، چه صنعتی و چه کشاورزی، در حزب سیاسی واحدی برای مبارزه جهت خواسته‌های فوری شان و جهت هدف نهایی جنبش کارگری جهانی، یعنی نابودی روابط تولیدی سرمایه داری و جایگزینی آن با روابط تولیدی سوسیالیستی، کوشش می‌کند.

فعالتهای حزب سوسیال دموکرات در بین کارگران کشاورزی مخصوصاً با بیداری اخیر کل جمعیت کشور و حتی گسترش آن به دهقانان، آسان شده است.

ضرورت چنین فعالتهایی که فی نفسه قابل درک است، هم اکنون که سرمایه داران کشاورزی در پی تلاشهای عریانی برای تحکیم موقعیت وابسته کارگران روستا می‌باشند و حتی در برنامه های رفرمیستی خود خواستار محدودیت حقوق مورد نیاز کارگران برای دفاع از منافع شان بعنوان فروشندهگان نیروی کار می‌باشند، شدیداً احساس می‌شود.

کنفرانس از رفقا می‌خواهد که از این وضعیت برای تشدید تبلیغات در بین کارگران روستا و سازماندهی جنبش اعتصابی و اتحاد کارگران در اتحادیه ها برای مبارزه جهت دفاع از منافع صنفی شان، استفاده کنند.

رفقا باید در جریان اینگونه تبلیغات اهمیت فوق العاده کلیه خواستههای برنامه ما را که هدفش دفاع از منافع کار مزدبری است، برای پرولتاریای روستا توضیح دهند.

سازمانها باید به آن مواقع از سال که کارگران کشاورزی فصلی اجیر می‌شوند، توجه خاص داشته و از فرصتهایی که کارگران دور هم جمع می‌شوند برای تبلیغات مجدانه استفاده کنند.

||

اما علاوه بر مبارزه بین کار مزدبری و سرمایه، هم اکنون جنبش دیگری نیز در روستا برای رهایی دهقانان به مثابه یک صنف - که توسط نظام سرواژ سریعاً نابود شونده در وضعیت به ویژه مشکل و تحقیر آمیزی قرار گرفته - در جریان است.

سوسیال دموکراسی با تبلیغات بر اساس برنامه ارضی خود، خواستههای مطرح شده در آن را در مقابل تمام تلاشهایی قرار می‌دهد که تحت پوشش رفرم ارضی مشقات جدیدی را به نفع اشرافیت زمیندار بر دهقانان تحمیل می‌کند (مثل طرحهای خرید مجدد املاک شان)؛ سوسیال دموکراسی توهمات ارتجاعی مبتنی بر این ایده را که تزار مالک مطلق کلیه زمینهای کشور است، یا آنهایی را که کشاورزی در مقیاس کوچک را کمال مطلوب جلوه می‌دهند، یا کسانی را که روستاییان فقیر را با این اندیشه دلگرم می‌کنند که از طریق نوعی باز توزیع زمینهای بزرگ از استثمار سرمایه داری رها می‌شوند، افشا می‌کند.

سوسیال دموکراسی در عین حال از هر کوشش دهقانان برای تصرف اجباری زمین پشتیبانی می‌کند.

کند، و به دهقانان توضیح می دهد که دستاوردهای حاصله از مبارزات شان علیه زمینداران تنها به وسیله مجلس مؤسسان ملی که آزادانه انتخاب شده باشد، به طور قطعی تضمین می شود، و از این مجلس مؤسسان باید درخواست شود که بر مبنای دموکراتیک کمیته های ویژه ای (کمیته های دهقانی) تشکیل دهد تا نابودی قطعی مقررات و نظامات کهن روستایی را، که برای دهقانان شدیداً شاق و ظالمانه است، عملی کند.

حزب سوسیال دموکرات با حرکت از این واقعیت که تلقیات سرواژ در روستا نه تنها بوسیله چگونگی توزیع کنونی املاک بزرگ، بلکه همچنین بوسیله کل ساختار دولت و زندگی اجتماعی تداوم می یابد، تبلیغات لاینقطعی را در بین دهقانان بر اساس خواسته های دموکراتیک خود به پیش می برد، و موارد فوق العاده مهم زیر را به دهقانان متذکر می شود:

الف - جایگزینی کلیه مالیاتهای غیر مستقیم با مالیات مستقیم و تصاعدی واحد بر درآمد و ارث؛

ب - نابودی کلیه محدودیتهای صنفی و نظام پاسپورتی؛

ج - دموکراتیزه کردن کامل نظام دولتی و همچنین تمام ارگانهای خودگردان محلی و جمعی؛

د - و جایگزینی ارتش دائمی با ملیشیا ی مردمی.

|||

حزب سوسیال دموکرات در فعالیتهای تبلیغی خود با نفی استفاده از ترور در روستا بعنوان وسیله مبارزه سیستماتیک، و تلقی آن بعنوان وسیله نامناسبی که توجه را از وظایف انقلابی واقعی منحرف می کند، موارد زیر را ضروری می داند:

۱- روستا باید تا حد امکان از جریان جنبش انقلابی در روسیه و به ویژه از وظایف و جلوه های جنبش طبقه کارگر آگاه شود؛ و نزدیک ترین همکاری ممکن بین جنبش انقلابی در شهرها و روستاها ایجاد شود؛

۲- کلیه تلاشهای دولت برای تبدیل دهقانان به ابزاری جهت سرکوب جنبش رهایی بخش افشا شده، و ماهیت ضد مردمی و ارتجاعی این گونه تلاشها توضیح داده شود:

۳- برای موارد زیر باید تبلیغات شود:

الف - اظهار آشکار خواسته های سیاسی در مجامع روستایی و ولوست (۸) (Volost)؛

ب - تسلیح همگانی برای دفاع از خود در برابر خشونت حکومتی؛

ج - امتناع از پرداخت مالیات و اجرای تعهدات؛

د- امتناع از خدمت سربازی، از معرفی خود در صورت احضار ذخیره ها و عدم حضور برای آموزش نظامی؛

ه - امتناع از به رسمیت شناختن هرگونه قوای حکومتی یا مقاماتی که زیر فشار حکومت انتخاب

شده اند؛

و - انتخاب آزاد کلیه مقامات و در نتیجه؛

ز - خودگردانی انقلابی روستاها و اتحادیه های انقلابی مجامع روستایی خودگردان به عنوان سازمان قیام دهقانی علیه تزاریسم.

IV

کنفرانس معتقد است که تشکیل کنفرانس ویژه ای برای مبلغین مشغول در فعالیتهای روستایی، برای شرح مفصل مسایل مربوط به این فعالیتهای اقدامی به موقع است. کنفرانس «اتحادیه سوسیال دموکراتهای اوکرائین» را موظف می سازد که با همکاری کمیسیون تشکیلاتی برگزاری چنین کنفرانسی را تقبل کند، و مقرر می دارد که کلیه نشریات چاپ شده به زبان اوکرائینی، در صورت دربرگیری مطالبی که صرفاً جنبه محلی نداشته باشند، به زبان روسی انتشار یابد.

کنفرانس سراسری دوم منشویکها

۲۰ نوامبر ۱۹۰۵

اوج گیری انقلاب ۱۹۰۵ و به ویژه اعتصاب عمومی اکتبر و نیاز به مبارزه متحد علیه حکومت تزاری، مساله وحدت بلشویکها و منشویکها را در حزبی واحد ضروری می ساخت. توده های حزبی دو جناح عملاً با هم همکاری کرده و رهبری را برای اتحاد تحت فشار گذاشته بودند. کمیته مرکزی بلشویک با صدور اطلاعیه ای در ۱۰ نوامبر ۱۹۰۵ خواستار تشکیل کنگره وحدت حزب شد. طرح بلشویکی آن بود که دو جناح حزب قبل از برگزاری کنگره وحدت، کنفرانسها یا کنگره هایی برای تدوین پلاتفرم خود برگزار کرده و سپس به تعداد مساوی در کنگره وحدتی شرکت کنند. منشویکها با این طرح مخالف بودند.

کنفرانس سراسری دوم منشویکها که در ۲۰ نوامبر ۱۹۰۵ در سن پترزبورگ برگزار شد، تلاشی بود برای تعیین دیدگاه منشویکی درباره وحدت حزب. لنین نیز بعنوان مهمان در کنفرانس حضور داشت. در این کنفرانس مجموعاً سه قطعنامه به تصویب رسید. در یکی از قطعنامه ها، منشویکها سرانجام تعریف لنین از عضو حزب را مبنی بر شرکت شخصی هر عضو در یکی از سازمانهای حزبی پذیرفتند (سند ۴۰). قطعنامه دیگری اصل سانترالیسم دموکراتیک را مورد پذیرش قرار داد (سند ۴۱). و بالاخره در قطعنامه آخر منشویکها نظر خود را درباره وحدت اعلام داشتند ﴿سند ۴۲﴾، مبنی بر اینکه ﴿...﴾

۴۰- درباره عضویت حزب

۲۰ نوامبر ۱۹۰۵

هر کسی که: الف - برنامه حزب را بپذیرد، ب - در یکی از سازمانهای حزبی شرکت کند، ج - وجوه مختلفی به تشکیلات بپردازد، عضو حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه است.

۴۱ - درباره تشکیلات حزب

۲۰ نوامبر ۱۹۰۵

حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه باید طبق اصل سانترالیسم دموکراتیک سازماندهی شود. همه اعضای حزب در انتخاب نهادهای حزبی شرکت می کنند. همه نهادهای حزبی برای دوره مشخصی انتخاب شده، قابل عزل بوده و موظفند هم در فواصل معین و هم هرگاه که سازمانهای انتخاب کننده آنها بخواهند، پاسخگوی اعمال خود باشند. تصمیمات مجمع های راهنما (Guiding Collectives) برای اعضای سازمانهایی که مجمع ارگان آنهاست، لازم الاجرا است. امور مربوط به کل سازمان (مثل کنگره ها و تجدید سازماندهی ها) باید توسط کلیه اعضای آن تصمیم گیری شود. تصمیمات سازمانهای پایین تر در صورت تضاد با تصمیمات سازمانهای بالاتر قابل اجرا نیست. بنیان سازمان اتحادیه حزبی است، چه در محل معینی ایجاد شده باشد و چه به اتحادیه های رایون و رایونهای فرعی تقسیم شود. اتحادیه های رایون و رایون فرعی در چهارچوب فعالیتهای خود، خودمختار هستند. کلیه اعضای حزب برای انتخابات کنگره های عمومی حزب مستقیماً رأی می دهند؛ نمایندگان اعزامی به کنگره توسط سازمانها و به نسبت اعضای شان انتخاب می شوند. در کنگره هیچ نماینده ای بیش از یک رأی ندارد. دستور جلسه کنگره باید از پیش منتشر شود تا سازمانها فرصت بحث در باره آن را داشته باشند.

۴۲ - درباره وحدت جناحهای بلشویک و منشویک

۲۰ نوامبر ۱۹۰۵

۱- کنفرانس از ادغام فوری کلیه سازمانهای بلشویک و منشویک در سطح محلی و بر اساس سانترالیسم دموکراتیک شدیداً پشتیبانی می کند. کنفرانس با اعتقاد به اینکه ادغام سازمانهای هم سطح بلشویک و منشویک مهم ترین پیش شرط موفقیت یک کنگره وحدت است، از کلیه سازمانهای بلشویک و منشویک می خواهد که ادغام خود را هر چه سریع تر عملی سازند و همچنین نهاد مرکزی منتخب خود ((یعنی کمیسیون تشکیلاتی)) را موظف می سازد که در این راستا همکاری کند.

۲- کنفرانس ضروری می داند که فوراً امور تدارکاتی برای تشکیل کنگره وحدت را، که وظیفه اصلی آن از بین بردن شکاف موجود در حزب خواهد بود، آغاز کند.

کنفرانس شدیداً مخالف آن است که جناحها به طور مساوی در کنگره وحدت نماینده داشته باشند، زیرا این می تواند کنگره را به دو نیم تقسیم کند و بدین ترتیب به آرمان وحدت صدمه زند. کنفرانس ضروری می داند که تعداد نمایندگان هر محل منطبق با تعداد اعضای حزب در آن محل بوده و به مساله هواداری از این یا آن جناح دخالتی نداشته باشد. بنابراین، کنفرانس توصیه می کند در مناطقی که در وقت انتخابات سازمانهای هم سطح موجود باشد، جلسات انتخاباتی مشترک برگزار

شود. برای تضمین حقوق اقلیت، کنفرانس ضروری می داند که به هر اقلیتی که دو سوم تعداد آرای لازم برای اعزام نماینده را به دست آورد، حق نمایندگی ویژه اعطا شود.

۳- ادغام مراکز رهبری ((دو جناح بلشویک و منشویک)) هم برای متحد ساختن رهبری سیاسی و هم برای پیشبرد وحدت سازمانهای هم سطح در سطح محلی و همچنین برای تشکیل کنگره وحدت، ممکن و ضروری است. ادغام مراکز رهبری بدون توجه به ادغام ارگانها ((ای دو جناح)) ضروری و امکان پذیر است.

دو مرکز عملی بر اساس برابری دو جناح ادغام می شوند. اگر طی تشکیل مرکز واحد، تعداد اعضای کمیسیون تشکیلاتی ((منشویک)) اتفاقاً از تعداد اعضای کمیته مرکزی بلشویک کمتر باشد، کمیسیون تشکیلاتی اعضای خود را از بین کاندیداهای انتخاب شده در کنفرانس و به ترتیب آرای آنان افزایش می دهد؛ در صورت اتمام لیست کاندیدها، کمیسیون تشکیلاتی از حق کئوتاسیون برخوردار می شود. هیاتی که بدین ترتیب تشکیل می شود، جمع مشترکی خواهد بود که از طریق اکثریت ساده آرا تصمیم گیری می کند. این مرکز رهبری متحد، تنها در مورد اعضای که به هر دلیلی آن را ترک می کنند، از حق کئوتاسیون برخوردار است. کئوتاسیون از طریق اکثریت آرا انجام می گیرد. اعضای هیات تحریریه ارگان مرکزی نمی توانند در عین حال عضو مرکزی رهبری باشند.

۴- کنفرانس ایجاد ارگان مرکزی مشترکی را مطلوب دانسته و ضروری می داند که «مرکز متحد» برای تشکیل فوری هیات تحریریه مشترک ارگان مرکزی کوششهای لازم را به عمل آورد؛ کنفرانس همچنین اعلام می دارد که «منشویکها» نباید سعی کنند تا در هیات تحریریه تسلط کمی به دست آورند. کنفرانس به جناح بلشویک پیشنهاد می کند که به بخش خود در «مرکز متحد» رهنمود مشابهی ارائه دهد.

کنفرانس اول حزب

کنفرانس تامرفرس

۱۷-۱۲ دسامبر ۱۹۰۵

کنفرانس اول بلشویکها از تاریخ ۱۲ تا ۱۷ دسامبر ۱۹۰۵ در شهر تامرفرس (Tammerfors) فنلاند برگزار شد. ۴۰ نماینده از ۲۶ سازمان بلشویکی در آن حضور داشتند. تعداد دیگری از نمایندگان نیز به علت اعتصاب کارگران راه آهن و قیام مسلحانه مسکو نتوانستند در کنگره حضور یابند. لنین به ریاست کنفرانس برگزیده شد و دو گزارش درباره وضعیت جاری و مساله ارضی ارائه داد.

در این کنفرانس شش قطعنامه به تصویب رسید که اغلب آنها را لنین تهیه کرده بود. مساله وحدت جناحهای بلشویک و منشویک یکی از مسایل اصلی مورد بحث در این کنفرانس بود که چهار قطعنامه به آن اختصاص یافت (سندهای ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶). ﴿...﴾

۴۳- درباره ادغام مراکز

کنفرانس به منظور اتحاد عملی حزب و به عنوان اقدامی موقت پیش از کنگره وحدت، ادغام فوری و همزمان مراکز رهبری ((دو جناح یعنی کمیته مرکزی بلشویک و کمیسیون تشکیلاتی منشویک)) و ارگانهای مرکزی را بر اساس برابری ((جناحها)) مقرر می دارد؛ اعضای هیات تحریریه می توانند در عین حال عضو مرکز رهبری باشند.

هیات تحریریه از کل مرکز رهنمود می گیرد. هیات تحریریه موظف است در صورت درخواست یک سوم اعضایش، نظر خاص آنان را با توضیح مناسبی درباره رفع مسئولیت از خود، به چاپ برساند.

۴۴- ((درباره ادغام فوری سازمانهای محلی هم سطح))

کنفرانس خواهان ادغام فوری سازمانهای هم سطح در سطح محلی است.

۴۵- درباره فراخوان کنگره وحدت حزب

کمیته مرکزی و کمیسیون تشکیلاتی ادغام شده (یا، در صورت انجام نگرفتن ادغام، شورای متحد کمیته مرکزی و کمیسیون تشکیلاتی) باید فوراً تشکیل کنگره وحدت حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه را که در اولین فرصت برگزار می شود، اعلام کند. حضور نمایندگان در کنگره وحدت بر اساس تعداد اعضا و مبتنی بر انتخابات است. کلیه اعضای سازمان حزبی در انتخاب نمایندگان اعزامی به کنگره از طریق رأی مستقیم و مخفی شرکت می کنند. برای هر ۳۰۰ عضو حزب، یک نماینده انتخاب می شود. سازمانهای محلی خودمختار نیز که کمتر از ۳۰۰ ولی بیش از ۱۰۰ عضو دارند، یک نماینده به کنگره می فرستند. سازمانهای محلی خودمختار که کمتر از ۱۰۰ ولی بیش از ۵۰ عضو دارند، می توانند نمایندگانی را با نظر مشورتی به کنگره اعزام کنند. نمایندگان با پلاتفرمهای تاکتیکی در این انتخابات شرکت می کنند. آرای که در نواحی یا رایونهای مختلف برای فرد خاصی ریخته می شود، در صورتی با هم حساب می شود که تمام سازمانها تحت مرکز محلی واحدی متحد شده باشند.

تبصره یک - اعضایی که بعد از اعلام تشکیل کنگره به حزب پیوسته اند، در انتخابات شرکت نمی کنند.

تبصره دو - نمایندگان اعزامی به کنگره حزب بیش از یک حق رأی ندارند. آیین نامه تفصیلی مربوط به انتخابات کنگره وحدت (همراه با دستورات لازم مبنی بر لازم الاجرا بودن مطلق آن برای اعضای حزب) و دستور جلسه کنگره حداکثر تا سه هفته پس از اعلام تشکیل کنگره وحدت توسط مرکز ادغام شده منتشر می شود. هر سازمان محلی دارای بیش از ۱۰۰ عضو باید یک کمیسیون

انتخاباتی برای حل و فصل مسایل مربوط به عضویت حزب و رویه انتخابات تشکیل دهد. کمیسیونهای انتخاباتی با رأی اکثریت سازمان محلی انتخاب شده و باید نمایندگان جناح اقلیت را نیز در بر گیرد. در جاهایی که سازمانهای هم سطح پیش از کنگره ادغام نشوند، نمایندگان هر دو جناح بطور مساوی در کمیسیون انتخاباتی برگزیده می شوند. همه اختلافات مربوط به انتخابات کنگره وحدت، که توسط کمیسیونهای انتخاباتی حل نشده اند، برای حل نهایی به مرکز ادغام شده ارجاع می شوند.

۴۶- درباره تجدید سازماندهی حزب

۱- کنفرانس با پذیرش اصل مسلم سانترالیسم دموکراتیک اجرای گسترده اصل انتخابات را ضروری می داند؛ و در حالیکه به مراکز منتخب در امور مربوط به رهبری ایدئولوژیک و عملی قدرت کامل می دهد، ولی این مراکز در عین حال قابل عزل می باشند، اعمالشان وسیعاً به اطلاع مردم می رسد و اکیداً پاسخگوی فعالیتهای خود هستند.

۲- کنفرانس تشکیل کنفرانسهای ابلاست و اتحادیه هایی با ارگانهای ابلاست را به منظور یکنواخت ساختن و تحرک کار محلی توصیه می کند.

۳- کنفرانس کلیه سازمانهای حزبی را موظف می کند که سازمانهای محلی خود را سریعاً و با کمال جدیت بر اساس اصل انتخابات تجدید سازماندهی کنند؛ در حالیکه در لحظه کنونی ایجاد روشهای یکسان برای انتخاب نهادها ضروری نیست، انحراف از رویه های کاملاً دموکراتیک (مثل انتخابات دو مرحله ای و غیره) تنها در صورت بروز موانع عملی غیر قابل رفع مجاز است.

کمیته مرکزی متحد

ژانویه ۱۹۰۶

تصمیمات کنفرانس اول بلشویکها و کنفرانس دوم منشویکها در مورد اتحاد حزب، در اواخر دسامبر ۱۹۰۵ به مرحله اجرا در آمد. کمیته مرکزی بلشویک و کمیسیون تشکیلاتی منشویک در کمیته مرکزی متحدی شامل شش عضو (۳ عضو از هر جناح) ادغام شدند. ارگانهای جداگانه دو جناح نیز جای خود را به ارگان مرکزی جدیدی به نام پارتینیه ایزوستیا (Izvestia Partinye) داد که هیات تحریریه آن از سه نفر بلشویک (لنین، لوناچارسکی، بازارف) و سه نفر منشویک (دان، مارتف، مارتینف) تشکیل می شد. سند ۴۹ اطلاعیه ای است که کمیته مرکزی متحد در ژانویه ۱۹۰۶ انتشار داد. باید متذکر شد که بعد از انشعاب ۱۹۰۳ در کنگره دوم، این بیشترین حد وحدت تشکیلاتی بین بلشویکها و منشویکها بود. البته این وحدت دیری نپایید و پس از برگزاری کنگره وحدت (کنگره چهارم - ۱۹۰۶) و یا بهتر است گفته شود در جریان برگزاری این کنگره، فرو ریخت.

رفقا! کمیته مرکزی «بلشویک» و کمیسیون تشکیلاتی «منشویک» در «کمیته مرکزی متحد» واحدی، مرکب از تعداد برابر نمایندگان مراکز رهبری سابق دو جناح، ادغام شده اند. کمیته مرکزی متحد در عین حال هیات تحریریه متحدی برای ارگان مرکزی تشکیل داده است که آن نیز از تعداد برابری از اعضای هیات تحریریه ارگانهای سابق دو جناح ترکیب یافته است. حتی در موقع وجود روابط بسیار تیره بین دو جناح حزب، اعضای حزب، به رغم وجود اختلافاتی درباره بعضی مسایل تاکتیکی و تشکیلاتی، همیشه از ضرورت برقراری اتحاد تشکیلاتی آگاه بوده و سعی کرده اند تا حزب را با انشعاب تضعیف نکنند. همچنین دقیقاً در همان زمان که انشعاب حزب به دو جناح رسمیت یافت - یعنی در کنگره سوم بلشویک و کنفرانس اول منشویک - هر دو طرف قطعنامه های مشابهی را در مورد نیاز به تدارکات فوری برای وحدت حزب اتخاذ کردند. مبارزه انقلابی توانمند پرولتاریا برای رهایی روسیه که از آن زمان به بعد با سرعت بی نظیری در حال گسترش بوده است، هرچه بیشتر خواهان ادغام فوری حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه در «تشکیلات» واحدی است. این ادغام در واقع از پایین - یعنی در محافل گسترده فعالین حزبی «پیرامونی» - آغاز شده است. در عین حال، مراکز محلی و سراسری حزب بر اساس توافرها و فدراسیونهای بسیار نزدیکی همکاری کرده اند.

جریان انقلاب، بسیاری از اختلافات تاکتیکی و تشکیلاتی را که در گذشته حزب ما را به دو جناح تبدیل کرده بود، تا حدی از بین برده است. مساله چگونگی برخورد به دومای دولتی بولیگین، بعد از مانیفست ۱۷ اکتبر حکومت مسکوت باقی ماند. قیام مسلحانه در بعضی مناطق روسیه به واقعیت تبدیل شد و با گسترش مبارزه انقلابی مساله تشکیل مجلس مؤسسان توسط حکومت انقلابی اهمیت واقعی یافته است. در قلمرو تشکیلات، گذار از چارچوب تنگ نهادهای مخفی به سازمانهای انتخابی کم و بیش علنی، حزب را بر مبنای اصل سانترالیسم دموکراتیک متحد ساخته است. تشکیل نهادهای حزبی انتخابی در سطح محلی، که در عین حال و در چارچوب صلاحیت خود از قدرت مراکز رهبری برخوردار هستند، حزب را با مساله مشخص ثبت نام آکید و دقیق تر اعضایش روبرو ساخته است. ضمناً اختلافات گذشته در مورد شرایط عضویت در حزب با توافق کامل حل شده است، بدین ترتیب که اعضای حزب باید اجباراً در یکی از سازمانهای حزبی شرکت داشته باشند (یعنی پذیرش نظر لنین)). ضرورت وحدت حزب که در جریان مبارزه انقلابی مشترک جناحها علیه حکومت استبدادی احساس شده بود، در قطعنامه های کنفرانس بلشویک و منشویک تبلور یافت. هر دو کنفرانس ضرورت ادغام نهادهای حزبی مرکزی و محلی، سازماندهی مجدد نهادهای محلی بر اساس سانترالیسم دموکراتیک و برگزاری فوری کنگره وحدت تمام حزب را، که ادغام دو جناح را به طور قطعی تحکیم کرده و تشکیلات حزبی مبتنی بر اتحاد از بالا تا پایین ایجاد کند، پذیرفتند. وظیفه عمده کمیته مرکزی متحد در حال حاضر، علاوه بر اجرای وظایف مربوط به کمیته مرکزی و کمیسیون تشکیلاتی،

تشکیل کنگره وحدت حزب است. کنگره درباره آن مسایل تاکتیکی که هنوز با روشهای نسبتاً مختلفی توسط نمایندگان دو جناح حل می شوند، رهنمودهایی را ارائه خواهد داد که برای تمام اعضای حزب لازم الاجرا خواهد بود. یکی از این مسایل که به واسطه قانون انتخاباتی ۱۱ دسامبر دوباره اهمیت تاکتیکی یافته است، روش برخورد به دومای دولتی است. بحث پیرامون این مساله در یک نشست مشترک کمیته مرکزی متحد و هیات تحریریه ارگان مرکزی نشان داد که نمایندگان دو جناح در اساس برخوردشان نسبت به دوما توافق دارند؛ بدین معنی که تلاش حکومت در تحریف حق انتخاب مردم و جانشین کردن دوما به جای مجلس مؤسسان، باید همچون گذشته با شعار تشکیل انقلابی مجلس مؤسسان ملی و تدارک فعالانه برای قیام مسلحانه مورد مخالفت قرار گیرد. مطابق این نظر، شرکت حزب در آخرین مرحله مبارزات انتخاباتی، یعنی در مرحله انتخاب خود نمایندگان دوما، در شرایط کنونی مجاز نیست. تنها در مورد شرکت حزب در مراحل اولیه مبارزات انتخاباتی، یعنی شرکت در انتخاب موکلان و برگزینندگان اختلاف نظر وجود دارد.

با توجه به بروز این اختلاف، کمیته مرکزی متحد تصمیم گرفته است که اجازه دهد تا در مطبوعات حزبی بحث رفیقانه ای پیرامون این مساله صورت گیرد و به سازمانهای محلی توصیه می کند که در مورد استفاده از مراحل اولیه انتخابات یکی از این دو تاکتیک را اتخاذ کنند. تصمیم سازمانها باید برای سراسر قلمرو فعالیت هر یک از آنها یکسان بوده و با رأی اکثریت اتخاذ شود و اقلیت اجباراً از تصمیم جمعی پیروی کند. کمیته مرکزی متحد با اعلام تشکیل کنگره وحدت حزب، کلیه سازمانهای حزبی را موظف می سازد که به فوریت تدارک آن را آغاز کنند. دستورالعمل تفصیلی در مورد رویه انتخاب نمایندگان به کنگره، در آینده نزدیک توسط کمیته مرکزی متحد انتشار می یابد.

کمیته مرکزی متحد عجلتاً خود را به انتقال تصویب نامه های کنفرانسهای بلشویک و منشویک در مورد تشکیل کنگره وحدت حزب بر اساس انتخاب نمایندگان توسط کلیه اعضای فعال در سازمانهای محلی محدود می کند.

ادغام مقدماتی سازمانهای محلی، تضمین موفقیت کنگره وحدت است. سازمانهای مرکزی با تسلیم در برابر اراده کل حزب، که در مصوبات کنفرانسهای هر دو جناح حزب و در مجموعه ای از بیانیه های سازمانهای محلی به روشنی ابراز شده است، متحد شده اند. حال کمیته مرکزی متحد مصرانه درخواست می کند که کلیه سازمانهای حزبی بلافاصله ادغام سازمانهای محلی هم سطح را عملی سازند و نهادهای حزبی را بر مبنای اصل سانترالیسم دموکراتیک مجدداً سازماندهی کنند. هر دو اقدام فوق قدرت حزب در مبارزه انقلابی مداوم علیه حکومت استبدادی را افزایش میدهد و شرایط ضروری را برای بیان کامل و صحیح اراده حزب در کنگره وحدت آینده ایجاد میکند.

کنگره چهارم

کنگره وحدت

۲۵-۱۰ آوریل ۱۹۰۶

کنگره وحدت جناحهای بلشویک و منشویک حزب از ۱۰ تا ۲۵ آوریل ۱۹۰۶ در استکهلم برگزار شد. ۱۱۲ نفر با حق رأی و ۲۲ نفر با نظر مشورتی به نمایندگی از ۶۲ سازمان حزبی در آن حضور داشتند. اغلب سازمانهای سوسیال دموکرات ملیتها نمایندگانی به کنگره اعزام کرده بودند. لنین، کروپسکایا، کالینین، لوناچارسکی، فرووزه و استالین جزو نمایندگان بلشویکها بودند.

کنگره وحدت در واقع کنگره ای منشویکی بود. منشویکها ۶۲ رأی در مقابل ۴۶ رأی بلشویکها، اکثریت آرا را در کنگره در دست داشتند. از این رو اغلب قطعنامه های تصویب شده در این کنگره، ماهیت منشویکی دارد. کنگره درباره مساله ارضی، وضعیت جاری و وظایف طبقاتی پرولتاریا، روش برخورد با دومای دولتی، قیام مسلحانه، امور تشکیلاتی و مسایل دیگر به مذاکره پرداخت. لنین درباره اغلب مسایل فوق سخنرانی کرد یا گزارش ارائه داد. وی همچنین عضو هیات رئیسه کنگره بود و چندین بار ریاست جلسات را به عهده داشت.

تسلط کمی منشویکها در کنگره باعث شد که اعضای هیات تحریریه ارگان مرکزی جدید (سوتسیال دموکرات) تماماً از منشویکها انتخاب شدند و در کمیته مرکزی نیز اکثریت با آنان باشد.

لنین بلافاصله پس از پایان کنگره از طرف نمایندگان بلشویک نامه ای خطاب به حزب نوشت و تصمیمات کنگره را مورد انتقاد قرار داد و نوشت: «سه تا از مهم ترین قطعنامه های کنگره مهر و نشان نظرات اشتباه جناح منشویک سابق را در بر دارد.» (مجموعه آثار، جلد ۱۰، ص ۳۱۲). این سه قطعنامه عبارتند از: قطعنامه برنامه ارضی (سند ۵۱)، قطعنامه قیام مسلحانه (سند ۵۴)، و قطعنامه روش برخورد به دومای دولتی (سند ۵۶). لنین سپس ادامه میدهد که: «ما باید علیه تصمیمات اشتباه آمیز کنگره مبارزه ایدئولوژیک کنیم.» (همانجا، ص ۳۱۴).

کنگره وحدت اساسنامه جدیدی تصویب کرد و تعریف لنین از عضو حزب پذیرفته شد (سند ۵۰، بند ۱). ولی وقت بحث درباره بند ۷ اساسنامه راجع به روابط بین کمیته مرکزی و ارگان مرکزی اختلاف پیش آمد. لنین در این باره می نویسد: «درباره مساله تشکیلات، ما در مورد حقوق هیات تحریریه ارگان مرکزی اختلاف داشتیم. ما اصرار می کردیم که کمیته مرکزی از حق گزینش و اخراج اعضای هیات تحریریه برخوردار باشد.» (همانجا). کنگره به نظر منشویکها رأی داد. راجع به اختلاف در مورد بند دیگری از اساسنامه لنین نوشت: «منشویکها می خواستند تا میزان اعضای لازم برای فراخوان کنگره فوق العاده را به دو سوم بالا برند. من به همراه رفقای بلشویک تأکید کردیم که هرگونه تلاش برای محدود ساختن خودمختاری و حقوق اپوزیسیون ... به انشعاب ناگزیر ختم می شود ... منشویکها موافقت کردند از دو سوم به نصف آرا پایین بیایند.» (همانجا، ص ۳۷۲).

یکی از قطعنامه های بحث انگیز کنگره، قطعنامه در باره فعالیت های پارتیزانی بود که ﴿...﴾

۲۵ آوریل ۱۹۰۶

- ۱_ عضو حزب کسی است که برنامه حزب را پذیرفته، به آن کمک مالی کند و به یکی از سازمانهای حزبی تعلق داشته باشد.
 - ۲_ کلیه سازمانهای حزبی طبق اصول سانترالیسم دموکراتیک بنا می شوند.
 - ۳_ کلیه سازمانهای حزبی در مورد فعالیتهای داخلی خود، خودمختار هستند. هر سازمان حزبی تأیید شده، حق دارد به نام خود نشریات حزبی انتشار دهد.
 - ۴_ سازمانهای حزبی جدید توسط کنفرانسهای ابلاست یا دو سازمان همجوار تأیید می شوند. کمیته مرکزی بر این گونه تأییدها اعمال نظارت می کند.
 - ۵_ سازمانهای منطقه معینی می توانند جهت تشکیل اتحادیه های ابلاست متحد شوند. مرکز ابلاست، در کنفرانس یا کنگره ابلاست انتخاب می شود.
 - ۶_ کلیه سازمانهای حزبی باید ده درصد مجموع درآمدهای خود را به کمیته مرکزی تحویل دهند.
 - ۷_ کمیته مرکزی و هیات تحریریه ارگان مرکزی در کنگره انتخاب می شوند. کمیته مرکزی در روابط با احزاب دیگر، نماینده حزب است؛ کمیته مرکزی، نهادهای گوناگون حزبی را سازماندهی و فعالیت آنها را هدایت میکند؛ امور کلاً مهم حزبی را سازماندهی و اداره می کند؛ افراد و وجوه حزبی را تخصیص می دهد و عهده دار خزانه مرکزی حزب است؛ اختلافات درونی و مابین نهادهای حزبی مختلف را حل و فصل می کند و به طور کلی تمام فعالیت حزب را هماهنگ می کند. به هنگام تصمیم گیری در مورد سیاست حزب، کمیته مرکزی باید هیات تحریریه ارگان مرکزی را نیز در بر بگیرد. جای اعضای که کمیته مرکزی را ترک کنند ((به خاطر دستگیری، کناره گیری و غیره)) با کاندیداهای تعیین شده توسط کنگره و به ترتیبی که مشخص کرده است، پر می شود. جای اعضای که هیات تحریریه ارگان مرکزی را ترک کنند، توسط کمیته مرکزی که مشترکاً با اعضای باقی مانده هیات تحریریه کار می کند، پر می شود.
 - ۸_ کنگره، ارگان عالی حزب است. کنگره های عادی، هر سال توسط کمیته مرکزی فرا خوانده می شوند. کنگره فوق العاده باید، در صورت درخواست حداقل نیمی از اعضای حزب، طی دو ماه برگزار شود.
- در صورت امتناع کمیته مرکزی از برگزاری کنگره تحت ضوابط فوق، آن نیمی از حزب که خواستار برگزاری کنگره است، می تواند یک کمیته تشکیلاتی، که دارای تمام حقوق کمیته مرکزی در زمینه فرا خواندن کنگره است، تشکیل دهد.
- کلیه سازمانهای حزبی تأیید شده، برای هر پانصد عضو شرکت کننده در انتخاب نمایندگان، یک نماینده به کنگره اعزام می کنند. سازمانهایی که حداقل سیصد عضو رأی دهنده دارند، می توانند یک نماینده به کنگره اعزام دارند. سازمانهایی که به تعداد کافی عضو ندارند، می توانند با

سازمانهای همجوار متحد شده و در صورتی که مشترکاً حداقل دارای پانصد عضو رأی دهنده باشند، یک نماینده مشترک به کنگره اعزام دارند. انتخابات برای کنگره ها، مبتنی بر اصول دموکراتیک برگزار می شود.

کنگره در صورتی رسمیت می یابد که نمایندگان بیش از نیمی از کلیه اعضای حزب در آن حضور داشته باشند.

تشکیل هر کنگره و دستور جلسه آن باید حداقل یک ماه و نیم پیش از برگزاری کنگره، توسط کمیته مرکزی حزب یا در مواقع مقتضی توسط کمیته تشکیلاتی اعلام شود.

۵۳- درباره روش برخورد به جنبش دهقانی

۲۵ آوریل ۱۹۰۶

نظر به اینکه:

۱- دهقانان، در مبارزه خود برای زمین و علیه نظم بوروکراتیک پلیسی، در حال حاضر طبقه انقلابی هستند؛

۲- از سویی، انجام خواستههای دهقانان در مورد روابط ارضی و حقوقی تنها در صورت بازسازی دموکراتیک عمومی دولت امکان پذیر است، و از سوی دیگر، چنین بازسازی دولت تنها با شرکت فعال توده های دهقانی در انقلاب ممکن می شود؛

۳- در عین حال، جنبش دهقانی اساساً جنبشی خرده بورژوازی است و طبقات پرولتاریای روستا و بورژوازی روستا هم اکنون در روستاها شکل گرفته اند و مبارزه بین آنها فقط به واسطه سلطه عمومی سرواژ - که دهقانان را به طور اعم و طبقه نیمه آزاد زیرین آن را بطور اخص سرکوب می کند - پوشیده مانده است؛

۴- احزاب بورژوازی - یکی همچون حزب سوسیال رولوسیونر به خاطر سوسیالیسم خرده بورژوازی تخیلی خود، و دیگری همچون حزب دموکرات مشروطه طلب ((کادت)) به خاطر حفظ میزان قابل توجه زمینداری خصوصی بزرگ و در عین حال برآوردن غریزه های مالکیت دهقانان از طریق امتیازات جزئی - می کوشند از جنبش دهقانی استفاده کرده و آن را تابع مقاصد خود قرار دهند و بدین ترتیب جنبش انقلابی را سست و تضعیف کنند -

لذا کنگره وحدت حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه مقرر می دارد که:

۱- با بذل توجه دقیق به دهقانان، خواستههای اقتصادی آنها را با وظایف سیاسی لحظه انقلابی حاضر پیوند دهد؛

۲- سازمانهای سوسیال دموکرات مستقل کارگران کشاورزی (چه پرولتری و چه نیمه پرولتری) را بعنوان بخشی از حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه، هر جا که امکان دارد، ایجاد کند. در عین حال سازماندهی دهقانان را بطور کلی، چه از طریق ورودشان به «اتحادیه دهقانی» (که فعلاً غیر حزبی

است) و چه از طریق تشکیل کمیته های دهقانی، شوراها و نمایندگان دهقانان و غیره ارتقا بخشد. این کمیته ها و شوراها، دهقانان را با یکدیگر متحد می کند و آنها را با سازمانهای پرولتری شهری پیوند می زند. حزب باید بکوشد که برنامه ها و تاکتیکهای اینها را در راستای مناسبی برای سوسیال دموکراسی تحت تأثیر قرار دهد؛

۳- برخورد های دهقانان با حکومت و زمینداران را تشدید کند. این امر باعث می شود تا آنها به این آگاهی برسند که خواسته های مربوط به مسایل ارضی و سیاسی آنها تنها از طریق مجلس مؤسسان ملی می تواند برآورده شود. بدین منظور، خواسته های انقلابی دهقانان را به شکل رهنمودها و دستورها به نمایندگان دهقانان و فرستادن نماینده به کلیه نهادهای عمومی تا سرحد دومای دولتی، مطرح کند؛

۴- دهقانان را از ترور، تخریب و غیره باز دارد، طغیانهای پراکنده آنها را کنترل کند و بکوشد تا اقدامات فوق را با پیشرفت پرولتاریا علیه تزاریسیم گسترش داده و هماهنگ کند؛

۵- با خیزش انقلابی دهقانان علیه زمینداران، تحریم مقامات محلی و جایگزینی آنها با نهادهای جدید و حتی الامکان انتخابی را توصیه کند؛

۶- در دهقانان انقلابی، در ارتباط با حرکات توده ای شان، آگاهی به ضرورت قیام مسلحانه را ایجاد کند، قیامی که همزمان و هماهنگ با قیام پرولتاریا و خرده بورژوازی شهری رخ می دهد و در حال حاضر تنها وسیله تضمین تشکیل مجلس مؤسسان ملی است؛

۷- برای تضمین یک مبارزه سیستماتیک توسط دهقانان، شعارهای زیر را مطرح کند: برداشت محصول توسط دهقانان اجاره دار بدون پرداخت اجاره، امتناع از پرداخت مالیات تحریم نهادهای حکومتی، امتناع از انجام خدمت وظیفه و غیره.

کنگره در مورد کارگران کشاورزی ضروری می داند که، علاوه بر سازماندهیشان در صفوف حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه، برای دفاع از منافع صنفی آنها اتحادیه های کارگری تشکیل دهد. کنگره بعنوان وسیله ای برای سازماندهی و پیوند کارگران کشاورزی، برگزاری اعتصابی را جهت دستمزد بیشتر برای کارگران روزانه و فصلی و همچنین جهت تقلیل رانت کاری کشاورزان اجاره دار توصیه می کند.

کنگره ضروری می داند که برای تضمین ترویج و تبلیغ موفقیت آمیز در بین دهقانان، نشریات مناسبی ایجاد کند.

۵۷- درباره اتحادیه های کارگری

نظر به اینکه:

۱- جنبش صنفی کارگران (ترییدیونیونی) یک بخش ضروری مبارزه طبقاتی است و اتحادیه های کارگری عنصری اساسی در سازماندهی طبقاتی پرولتاریا است؛

۲- اتحادیه های کارگری به واسطه ماهیت هدفهایی که دنبال می کنند، باید در جهت سازماندهی

وسیع ترین توده های پرولتاریا تلاش ورزند؛

۳- پرولتاریای روسیه به ویژه تمایل شدیدی برای تشکیل اتحادیه های کارگری از خود نشان داده است؛

۴- مبارزه اقتصادی تنها در ارتباط صحیح با مبارزه سیاسی پرولتاریا، به بهبود واقعی وضعیت توده های کارگر و تقویت تشکیلات طبقاتی اصیل آنان منجر می شود؛

۵- در جو دوران انقلابی، اتحادیه های کارگری نه تنها از منافع اقتصادی طبقه کارگر دفاع میکنند، بلکه پرولتاریا را در مبارزه سیاسی بلاواسطه نیز درگیر کرده و تشکل عمومی و اتحاد سیاسی طبقه کارگر را ارتقا می بخشند؛

۶- در چنین جو انقلابی، توده های کارگر در فرایند تشکل و اتحاد سیاسی خود هر چه بیشتر زیر پرچم سوسیال دموکراسی جمع می شوند -
بنابراین کنگره تشخیص می دهد که:

۱- حزب باید از تمایلات کارگران برای ایجاد تشکیلات حرفه ای پشتیبانی کند و برای تشکیل اتحادیه های کارگری غیر حزبی از هیچ کمکی دریغ نرزد؛

۲- بدین منظور چارچوب قانونی باید همواره وسعت یابد و با استفاده از کلیه امکانات قانونی به ویژه قانون مربوط به تشکیل اتحادیه های کارگری، مبارزه بدون انحرافی برای آزادی کامل تشکیل اتحادیه های کارگری انجام گیرد؛

۳- کلیه اعضای حزب موظفند که در اتحادیه های کارگری وارد شوند، در کلیه فعالیتهای آنها بطور مؤثر شرکت کنند و پیوسته به تقویت همبستگی طبقاتی و آگاهی طبقاتی اعضای این اتحادیه ها بپردازند تا از طریق مبارزه و تبلیغ، اتحادیه های کارگری را بطور ارگانیک با حزب پیوند دهند.

۵۸- شرایط ادغام سوسیال دموکراتهای لهستان

و لیتوانی با حزب

۱- حزب سوسیال دموکرات لهستان و لیتوانی یک تشکیلات منطقه ای حزب سوسیال دموکرات روسیه است که در بین پرولترهای کلیه ملیتهای ناحیه خود کار می کند و فعالیتهای کلیه سازمانهای حزبی را در این منطقه متحد می سازد.

تبصره یک - سازمانهای سوسیالیستی در لهستان تنها از طریق ورود به حزب سوسیال دموکرات لهستان و لیتوانی می توانند به حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه راه یابند. توافقیهای دائم یا موقتی بین این سازمانها و حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه، تنها با رضایت حزب سوسیال دموکرات لهستان و لیتوانی انجام می شود.

تبصره دو - روابط بین حزب سوسیال دموکرات لهستان و لیتوانی و بوند با توافق حزب کارگر

سوسیال دموکرات روسیه تعیین می شود. در چارچوب این روابط کلی، حزب سوسیال دموکرات لهستان و لیتوانی می تواند در موارد مشخص فعالیت محلی مشترک تصمیم گیری کند.

۲- مساله حفظ لیتوانی در قلمرو فعالیت حزب سوسیال دموکرات لهستان و لیتوانی، توسط کمیته مرکزی حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه و هیات رهبری اصلی حزب سوسیال دموکرات لهستان و لیتوانی و با شرکت کلیه سازمانهای محلی ذینفع در این مساله تصمیم گیری می شود.

۳- حزب سوسیال دموکرات لهستان و لیتوانی در محدوده قلمرو فعالیت خود، در مورد کلیه مسایل مربوط به شیوه های تبلیغ و اشکال سازماندهی مستقلاً تصمیم می گیرد و همچنین روابط خود را با سایر احزاب فعال در منطقه تعیین می کند.

۴- حزب سوسیال دموکرات لهستان و لیتوانی کنگره های خود را برگزار می کند.

۵- حزب سوسیال دموکرات لهستان و لیتوانی حق دارد در محدوده فعالیت های خود، در مورد روابط بین اتحادیه های کارگری و تشکیلات حزبی مستقلاً تصمیم بگیرد.

۶- حزب سوسیال دموکرات لهستان و لیتوانی مانند کلیه سازمانهای دیگر حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه در کنگره های عمومی حزب شرکت می کند.

۷- هیات تحریریه ارگان مرکزی دربرگیرنده یک عضو از حزب سوسیال دموکرات لهستان و لیتوانی است. وی مثل سایر اعضای هیات تحریریه حق دارد در کارهای عمومی تحریری شرکت کند و اداره بخش لهستان ((ارگان)) به عهده او است.

۸- حزب سوسیال دموکرات لهستان و لیتوانی در کنگره های سوسیالیستی بین المللی و در دفتر انترناسیونال سوسیالیست به طور مستقل نمایندگی می شود، البته تا زمانی که لهستان به عنوان بخش مستقلی در این کنگره ها باقی بماند.

۹- حزب سوسیال دموکرات لهستان و لیتوانی نام خود را که به عنوان یک نام فرعی بعد از عنوان «حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه» ذکر می شود، حفظ می کند.

۱۰- نمایندگان ویژه حزب سوسیال دموکرات لهستان و لیتوانی باید تحت شرایط برابر با نمایندگان حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه به طور کلی، در کلیه کنفرانسهای بین حزبی که سایر احزاب فعال در لهستان در آنها حضور دارند، شرکت کنند.

۵۹- پیش نویس شرایط برای اتحاد بوند با حزب

۱- بوند به عنوان تشکیلات سوسیال دموکرات پرولتاریای یهود وارد حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه می شود؛ فعالیتهای آن به ناحیه خاصی محدود نیست.

۲- بوند برنامه حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه را می پذیرد.

تبصره - از آنجا که مساله برنامه ملیتها در کنگره وحدت مورد بررسی واقع نشد، بحث حول آن

آزاد است.

۳- کلیه دستورات کنگره های حزبی برای بوند لازم الاجرا است.

۴- بوند استقلال خود را در امور مربوط به تبلیغ، تشکیلات و ترویج، در محدوده دستورات عمومی کنگره های حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه و رهنمودهای عمومی کمیته مرکزی، حفظ می کند.

۵- بوند سازمانهای محلی و نهادهای مرکزی خود را دارد، کنگره های خود را برگزار می کند و امور تشکیلات خود را مستقلاً اداره می کند.

۶- کلیه سازمانهای محلی حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه یک کمیته شهری رهبری کننده واحد، بر اساس انتخابات عمومی و بدون توجه به ملیت اعضای حزب، تشکیل می دهند.

تبصره - این کمیته کلیه مسایل مشترک پرولتاریای هر شهر معینی را با اکثریت ساده آرا حل می کند. شیوه انتخاب کمیته شهر به وسیله اصول کلی پذیرفته شده در حزب، تعیین می شود.

۷- سازمانهای بوند نمایندگان خود را با همان شرایط سایر سازمانهای حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه، به کنگره ها و کنفرانسهای حزبی گسیل می دارد.

تبصره - در صورت توافق سازمانهای محلی، انتخابات برای نمایندگی در کنگره را می توان در جلسات انتخاباتی عمومی برگزار کرد.

۸- بوند در کمیته مرکزی حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه نمایندگی می شود.

تبصره - شیوه نمایندگی بوند در کمیته مرکزی با توافق بین کمیته مرکزی بوند و کمیته مرکزی حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه تعیین می شود.

نمایندگان بوند در کلیه هیاتهای نمایندگی اعزامی حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه به کنگره های انترناسیونال سوسیالیست حضور دارند.

کنگره پنجم

کنگره لندن

۳۰ آوریل - ۱۹ مه ۱۹۰۷

کنگره پنجم از ۳۰ آوریل تا ۱۹ مه ۱۹۰۷ در لندن برگزار شد. ۳۰۳ نفر با حق رأی و ۳۹ نفر با نظر مشورتی از ۱۴۵ سازمان حزبی به نمایندگی از ۱۵۰ هزار عضو حزب در آن حضور داشتند. از میان ۳۰۳ نماینده با حق رأی ۸۹ نفر بلشویک، ۸۸ نفر منشویک، ۴۵ نفر از سوسیال دموکراتهای لهستان، ۲۶ نفر از سوسیال دموکراتهای لتونی و ۵۵ نفر از بوندیستها بودند. چون سوسیال دموکراتهای لهستان و لتونی از بلشویکها پشتیبانی می کردند، بنابراین برخلاف کنگره چهارم، در این کنگره بلشویکها اکثریت را در دست داشتند. از نمایندگان حاضر در کنگره می توان از لنین، کروپسکایا، زینوویف، استالین، پلخانف، مارتف، تروتسکی، ماکسیم گورکی و روزا لوگزامبرگ نام برد.

کنگره پنجم به واسطه تسلط کمی بلشویکها در آن، در مسایل اساسی انقلاب روسیه تصمیمات بلشویکی اتخاذ کرد. مهم ترین مساله ای که در کنگره مورد بحث قرار گرفت، روش برخورد به احزاب بورژوازی و غیر پرولتری و تعیین ماهیت انقلاب روسیه بود. گزارش اصلی را در این باره لنین ارائه داد و ﴿...﴾

۶۲- اساسنامه تشکیلاتی

۱۹ مه ۱۹۰۷

- ۱- عضو حزب کسی است که برنامه حزب را پذیرفته، به آن کمک مالی کند و به یکی از سازمانهای حزبی تعلق داشته باشد.
- ۲- کلیه سازمانهای حزبی طبق اصول سانترالیسم دموکراتیک بنا می شوند.
- ۳- کلیه سازمانهای حزبی در مورد فعالیتهای داخلی خودمختار هستند. هر سازمان حزبی تأیید شده، حق دارد به نام خود نشریات حزبی انتشار دهد.
- ۴- سازمانهای حزبی جدید توسط کنفرانسهای ابلاست یا دو سازمان همجوار تأیید می شوند. کمیته مرکزی بر این گونه تأییدها نظارت اعمال میکند. کمیته مرکزی باید نام سازمانهای جدیداً تأیید شده را در نشریات حزبی چاپ کند.
- ۵- سازمانهای هر منطقه معینی می توانند جهت تشکیل اتحادیه های ابلاست متحد شوند. مرکز ابلاست، در کنفرانس یا کنگره ابلاست انتخاب می شود.
- ۶- کلیه سازمانهای حزبی باید ده درصد مجموع درآمدهای خود را به کمیته مرکزی تحویل دهند.
- ۷- کمیته مرکزی در کنگره انتخاب می شود. کمیته مرکزی در روابط با احزاب دیگر، نماینده حزب است؛ کمیته مرکزی، نهادهای گوناگون حزبی را سازماندهی و فعالیت آنها را هدایت می کند؛ هیات تحریریه ارگان مرکزی را که تحت نظارت آن کار می کند، تعیین می کند؛ امور کلاً مهم حزبی را سازماندهی و اداره می کند؛ افراد و وجوه حزبی را تخصیص می دهد و عهده دار خزانه مرکزی حزب است؛ اختلافات درونی و مابین نهادهای مختلف حزبی را حل و فصل می کند و بطور کلی تمام فعالیت حزب را هماهنگ می کند. جای اعضایی که کمیته مرکزی را ترک کنند ((به خاطر دستگیری، کناره گیری و غیره))، با کاندیداهای تعیین شده توسط کنگره و به ترتیبی که مشخص کرده است، پر می شود.
- ۸- کمیته مرکزی به منظور بحث و گفتگو در باره مسایل مهم زندگی حزبی، حداقل یکبار در هر سه یا چهار ماه، کنفرانسهای دوره ای نمایندگان اتحادیه های ابلاست، بوند، حزب سوسیال دموکرات لهستان و لیتوانی و حزب سوسیال دموکرات منطقه لتونی را فرا می خواند. نمایندگان اعزامی به این کنفرانسها بر اساس یک نماینده برای هر پنج هزار کارگر متشکلی که در انتخابات آخرین کنگره شرکت کرده اند انتخاب می شوند.

کلیه سازمانهایی که در اتحادیه های ابلست حضور ندارند، نمایندگان خود را به همان ترتیب فوق در کنفرانسهای شان انتخاب می کنند. تصمیمات کنفرانسهای ((دوره ای)) تنها بعد از تصویب توسط کمیته مرکزی، لازم الاجرا می شود.

۹- کنگره، ارگان عالی حزب است. کنگره های عادی، هر سال توسط کمیته مرکزی فرا خوانده می شود. کنگره فوق العاده باید، در صورت درخواست حداقل نیمی از اعضای حزب، طی دو ماه برگزار شود.

در صورت امتناع کمیته مرکزی از برگزاری کنگره تحت ضوابط فوق، آن نیمی از حزب که خواستار برگزاری کنگره است، می تواند یک کمیته تشکیلاتی، که دارای تمام حقوق کمیته مرکزی در زمینه فرا خواندن کنگره است، تشکیل دهد.

کلیه سازمانهای حزبی که حداقل سه ماه قبل از تاریخ برگزاری کنگره تأیید شده باشند، حق دارند، بر اساس یک نماینده برای هر هزار عضو شرکت کننده در انتخاب نمایندگان، در کنگره نمایندگی شوند. سازمانهایی که به تعداد کافی عضو ندارند، می توانند با سازمانهای همجوار متحد شده و در صورتی که مشترکاً حداقل دارای هزار عضو رأی دهنده باشند، یک نماینده مشترک به کنگره اعزام دارند. انتخابات برای کنگره ها، طبق اصول دموکراتیک برگزار می شود.

کنگره در صورتی رسمیت می یابد که نمایندگان بیش از نیمی از کلیه اعضای حزب در آن حضور داشته باشند.

تشکیل هر کنگره و دستور جلسه آن باید حداقل یک ماه و نیم پیش از برگزاری کنگره، توسط کمیته مرکزی حزب یا در مواقع مقتضی توسط کمیته تشکیلاتی اعلام شود.

۶۳- درباره روش برخورد به احزاب غیر پرولتری

۱۶ مه ۱۹۰۷

نظر به اینکه:

۱- حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه هم اکنون با وظیفه به ویژه مهم تعیین ماهیت طبقاتی احزاب گوناگون غیر پرولتری و ارزیابی روابط طبقاتی در لحظه کنونی و سپس تعیین روش برخوردش به این احزاب روبرو است؛

۲- حزب سوسیال دموکرات همواره ضرورت پشتیبانی از جنبش اپوزیسیون و انقلابی علیه نظم اجتماعی و سیاسی موجود در روسیه را تأیید کرده است؛

۳- حزب سوسیال دموکرات، در عین حفظ موضع طبقاتی کاملاً مستقل، موظف است تا از هیچ کوششی برای قادر ساختن پرولتاریا به ایفای نقش رهبری در انقلاب بورژوا دموکراتیک، دریغ نرزد - لذا کنگره اعتقاد دارد که:

۱- احزاب ارتجاعی و وابسته به باندهای سیاه (مثل اتحادیه مردان روسیه، حزب سلطنت طلب،

شورای اشرافیت متحد و غیره) خود را هر چه مصمم تر و صریح تر به عنوان تشکلهای طبقاتی زمینداران دارای افکار فئودالی سازمان می دهند و تلاش می ورزند، تا از طریق تحریکات ناسیونالیستی و برپایی قتل عامهای مداوم، انقلاب را به خاک و خون کشند؛ بنابراین حزب سوسیال دموکرات باید رابطه بسیار تنگاتنگ این احزاب را با تزاریسیم خاطرنشان کرده و ضرورت مبارزه آشتی ناپذیری را، به منظور نابودی کامل کلیه بقایای اجتماعی و سیاسی بربریت فئودالی، روشن سازد.

۲- احزابی مثل اتحادیه هفدهم اکتبر ((اکتبریستها))، حزب تجارت و صنعت و تا حدی حزب رفرم مسالمت آمیز و غیره، نمونه تشکلهایی هستند که بر بخشی از زمینداران و اقشار عقب مانده تر بورژوازی اتکا دارند. این احزاب کاملاً جانب ضد انقلاب را گرفته اند، آشکارا از حکومت پشتیبانی می کنند و از غیر دموکراتیک ترین قانون اساسی ممکن، که بر امتیازات مالی استوار است، دفاع می کنند؛ بنابراین حزب سوسیال دموکرات باید بی رحمانه علیه این احزاب مبارزه کند.

۳- احزاب بورژوازی لیبرال - سلطنت طلب، به سرکردگی حزب دموکرات مشروطه طلب ((کادتها))، هم اکنون بطور قطعی از انقلاب روی گردان شده و سعی دارند از طریق معامله با ضد انقلاب، انقلاب را متوقف کنند؛ پایگاه اجتماعی این احزاب را بخشهایی از بورژوازی که از نظر اقتصادی مترقی ترند و بخصوص روشنفکران بورژوا تشکیل می دهد، بخشی از خرده بورژوازی شهر و روستا نیز تنها به واسطه سنت و همچنین به خاطر فریب سنجیده لیبرالها، به دنباله روی از این احزاب ادامه می دهد. هدفهای سیاسی این احزاب از حد یک نظام سلطنتی مشروطه، که توسط پلیس، سیستم قانونگذاری دو مجلسی، ارتش دایم و غیره از تهاجمات پرولتاریا حفظ شود، فراتر نمی رود؛ بنابراین حزب سوسیال دموکرات باید از فعالیتهای این احزاب برای آموزش سیاسی مردم استفاده جوید، تضاد بین جمله پردازیهای دموکراتیک دورویانه آنها و موضع دموکراتیک پیگیر پرولتاریا را نشان دهد، توهنات مشروطه طلبانه ای را که اشاعه می دهند افشا سازد و بی رحمانه علیه هژمونی آنها بر خرده بورژوازی دموکرات مبارزه کند.

۴- احزاب پوپولیست یا زحمتکشان (مثل حزب سوسیالیستهای مردمی، ترودوویکها، سوسیال رولوسیونرها) بطور کمابیش دقیقی منافع و دیدگاه توده های وسیع خرده بورژوازی شهر و روستا را بیان می کنند و بین تسلیم به هژمونی لیبرالها و مبارزه قطعی علیه زمینداران و دولت فئودالی در نوسانند؛ این احزاب هدفهای اساساً بورژوا دموکراتیک خود را در لفافه ایدئولوژی سوسیالیستی کمابیش نامفهومی می پوشانند؛ بنابراین حزب سوسیال دموکرات باید ماهیت سوسیالیسم دروغین آنها را افشا سازد و علیه تلاشهای شان جهت بی اهمیت جلوه دادن تقابل بین پرولتاریا و خرده مالکان مبارزه کند؛ از سوی دیگر، حزب سوسیال دموکرات باید هر کوششی به عمل آورد تا این احزاب را از زیر نفوذ و رهبری لیبرالها جدا کند، آنها را وادار سازد تا بین سیاستهای دموکراتهای مشروطه طلب و سیاستهای پرولتاریای انقلابی یکی را انتخاب کنند و بدین ترتیب ناگزیر شوند تا در مبارزه برای به پایان قطعی رساندن انقلاب دموکراتیک، از سوسیال دموکراتها علیه باندهای سیاه و کادتها جانبداری

کنند.

۵- کوششهای مشترک حاصله باید امکان هرگونه انحراف از برنامه و تاکتیکهای سوسیال دموکراسی را مسدود کند و صرفاً در خدمت تضمین تهاجم مشترکی علیه ارتجاع و تاکتیکهای خائنانه بورژوازی لیبرال قرار گیرد.

۶۴- درباره کنگره کارگران و سازمانهای کارگری غیر حزبی

۱۸ مه ۱۹۰۷

نظر به اینکه:

۱- حزب کارگر سوسیال دموکرات تنها تشکیلاتی است که بخش آگاه پرولتاریا را متحد میکند و، به عنوان پیشاهنگ آن، مبارزه طبقه کارگر برای ایجاد نظم سوسیالیستی و شرایط سیاسی و اقتصادی لازم برای تحقق آن را رهبری میکند؛

۲- علاوه بر حزب سوسیال دموکرات، اشکال عمده سازمانی برای دفاع و تأمین منافع اقتصادی توده های کارگر، اتحادیه های کارگری و سپس انواع دیگر سازمانهای کارگران مثل تعاونیها و غیره هستند؛

۳- در لحظه طغیان انقلابی، سازماندهی و استفاده از نهادهای انتخابی غیر حزبی طبقه کارگر مثل شوراهای نمایندگان کارگران، شوراهای هیاتهای نمایندگی کارگران و غیره برای رشد و گسترش سوسیال دموکراسی، امکان پذیر می شود؛

۴- ایده تشکیل کنگره کارگران، بنا به ماهیتش، به جانشین شدن نهایی سازمانهای کارگران غیر حزبی به جای حزب سوسیال دموکرات منتهی می شود و همچنین تدارکات سازماندهی و تبلیغاتی برای تشکیل کنگره کارگران به ناگزیر به از هم پاشیدگی حزب می انجامد و وابستگی توده های وسیع کارگران را به نفوذ دموکراسی بورژوازی شدت می بخشد -

کنگره بنابراین اعتقاد دارد که:

الف - برای گسترش و تحکیم نفوذ سوسیال دموکراسی بر توده های وسیع پرولتاریا، ضروری است که، از یک سو، کار سازماندهی اتحادیه های کارگری و بسط تبلیغ و ترویج سوسیال دموکراتیک در درون آنها شدت یابد و، از سوی دیگر، بخشهای هر چه وسیعتری از طبقه کارگر به شرکت در انواع گوناگون سازمانهای حزبی جلب شوند.

ب - مطلوب است سازمانهای حزب سوسیال دموکرات در نهادهای غیر حزبی همچون شوراهای نمایندگان کارگران و شوراهای هیاتهای نمایندگی کارگران و در کنگره های نمایندگان آنها شرکت کنند و همچنین به سازماندهی آنها پردازند. البته مشروط بر اینکه این کار کاملاً در انطباق با خطوط حزبی انجام گیرد و هدفش تحکیم و گسترش حزب کارگر سوسیال دموکرات باشد.

ج - تبلیغ برای تشکیل کنگره کارگران غیر حزبی، که آنارکوسندیکالیستها از آن به عنوان اسلحه

ای علیه نفوذ سوسیال دموکراسی بر توده های کارگر استفاده می کنند، برای رشد طبقاتی پرولتاریا زیان آور است.

۶۸- درباره اتحادیه های کارگری

۱۹ مه ۱۹۰۷

کنگره با تأیید قطعنامه کنگره وحدت درباره کار در اتحادیه های کارگری، توجه سازمانهای حزبی و سوسیال دموکراتهای فعال در اتحادیه های کارگری را به یکی از هدفهای عمده فعالیت سوسیال دموکراسی در این اتحادیه ها جلب می کند؛ و آن پیش بردن شناسایی رهبری ایدئولوژیک حزب سوسیال دموکرات توسط اتحادیه های کارگری و همچنین برقرار کردن ارتباط تشکیلاتی با حزب است. ضروری است که این هدف در هر جا که شرایط محل اجازه دهد، عملی شود.

کمیته مرکزی درباره فعالیتهای علنی

فوریه - مارس ۱۹۰۸

مساله تعیین موضع دقیق حزب درباره اتحادیه های کارگری و تعاونیها در سالهای پس از انقلاب ۱۹۰۷ - ۱۹۰۵ و به ویژه پس از شکست این انقلاب در سال ۱۹۰۷ اهمیت فوق العاده ای پیدا کرد. قبلاً کنگره های چهارم (کنگره وحدت در سال ۱۹۰۶) و پنجم (کنگره لندن در سال ۱۹۰۷) درباره روش برخورد حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه به اتحادیه های کارگری قطعنامه هایی به تصویب رساندند که با آنها آشنا شدیم (سندهای ۵۷ و ۶۸).

همچنین می دانیم که بلشویکها و منشویکها دو نظر کاملاً متفاوتی در باره روابط حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه با اتحادیه های کارگری و اصولاً سازمانهای علنی طبقه کارگر ابراز میکردند. در حالیکه منشویکها معتقد به «بیطرفی» اتحادیه های کارگری بودند، بلشویکها بر این اعتقاد بودند که رهبری ایدئولوژیک حزب طبقه کارگر توسط اتحادیه های کارگری پذیرفته شود. در ضمن همانطور که در پیشگفتار کنفرانس سوم (سراسری دوم) توضیح دادیم، این کنفرانس نتوانسته بود در باره چگونگی برخورد حزب به اتحادیه های کارگری تصمیم مشخصی اتخاذ کند و مساله را به کمیته مرکزی محول کرده بود.

کمیته مرکزی برای حل مساله در اوایل سال ۱۹۰۸ «کمیسیون اتحادیه های کارگری و تعاونیها» را تشکیل داد تا جمعبندی مشخصی در این باره ارائه دهد.

این کمیسیون پس از مطالعات زیادی در این باره دو سندی را که در این بخش آمده است تهیه کرد. سند اول (سند شماره ۷۳) تحت عنوان درباره اتحادیه های کارگری در فوریه ۱۹۰۸ انتشار یافت و موضع حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه را در روابطش با اتحادیه های کارگری مشخص میکند. باید توجه داشت که در موقع انتشار این سند بسیاری از ۶۰۰ اتحادیه کارگری علنی که در سال پیش

فعالیت میکردند، توسط مقامات پلیس تزاری اجباراً تعطیل شدند. و به جای آنها تعدادی اتحادیه های کارگری غیر علنی تأسیس شدند که البته نفوذ چندانی در بین کارگران نداشتند. سند دیگر این بخش (سند ۷۴) چگونگی برخورد حزب را در مقابل تعاونیها مشخص می کند.

۷۳- درباره اتحادیه های کارگری

فوریه ۱۹۰۸

۱- کار شدید حزب سوسیال دموکرات در جنبش اتحادیه های کارگری، که وضعیت کنونی آن را طلب می کند، باید طبق مفاد قطعنامه های کنگره لندن و کنگره اشتوتگارت ((انترناسیونال دوم در سال ۱۹۰۷)) انجام گیرد؛ به عبارت دیگر، طبق حرکتی انحراف ناپذیر برای ایجاد نزدیک ترین رابطه ممکن بین اتحادیه ها و حزب سوسیال دموکرات که تحت هیچ شرایطی بی طرفی اتحادیه های کارگری و یا پیوستگی غیر حزبی آنها را از لحاظ اصول به رسمیت نشناسد.

شناسایی اتحادیه های کارگری به عنوان ((نهادهای)) سوسیال دموکرات، باید صرفاً نتیجه ترویج و سازماندهی سوسیال دموکراتیک در درون اتحادیه های کارگری باشد و نباید یکپارچگی و مبارزه اقتصادی پرولتاریا را بگسلد.

۲- همانطور که حرکتیهای مختلف پرولتاریا در طول انقلاب ۱۹۰۵ و پس از آن نشان داد، اتحادیه های کارگری در بیشتر موارد برای ایجاد هسته های تشکیلاتی منسجم در مؤسسات تولیدی گوناگون موفقیتی کسب نکردند. بنابراین، سرکوبهای حکومت نه تنها به تعطیل اکثر اتحادیه ها، بلکه به نابودی کامل بعضی از آنها نیز منجر شد؛ با در نظر گرفتن نکات فوق، وظیفه عمده در لحظه کنونی ایجاد هسته های تشکیلاتی منسجم است. بدون چنین هسته هایی، ساختن اتحادیه های کارگری پردوام و یا هدایت مبارزه اقتصادی پرولتاریا غیر ممکن است.

۳- در جاهایی که اتحادیه های کارگری قانونی وجود دارد یا می توان آنها را دوباره تشکیل داد، این هسته ها یا سازمانهای صنفی اولیه را می بایستی در کلیه کارخانه ها، مؤسسات تجاری و صنعتی ایجاد کرد. اعضای حزب سوسیال دموکرات باید در تمام چنین سازمانهای اولیه، به منظور اثر گذاری سیستماتیک بر آنها با روح سوسیال دموکراسی، گروههای منسجم خود را تحت حمایت مراکز حزبی محلی تشکیل دهند.

در جاهایی که سرکوبهای پلیسی، اتحادیه های کارگری قانونی را کاملاً در هم شکسته و هیچ امکانی برای احیای قانونی آنها وجود ندارد، اتحادیه های کارگری غیر قانونی باید به فوریت تشکیل شوند. هر اتحادیه غیر قانونی، مثل هر اتحادیه قانونی، باید بر اساس سازماندهی بیشترین کارگران ممکن در هسته صنفی در مؤسسه تولیدی معینی پایه ریزی شود، و در درون این هسته ضروری است که به ویژه یک گروه تریدیونیونی سوسیال دموکراتها در آن مؤسسه، سازماندهی شود.

۴- به منظور متحد کردن کلیه فعالیتهای سوسیال دموکراتیک در اتحادیه های کارگری، ضروری

است که گروه‌های تریدیونیونی سوسیال دموکراتها در هر صنفی سازماندهی شوند و در نتیجه گروه‌های تریدیونیونی سوسیال دموکراتها در مؤسسات مختلف به هم مرتبط شوند.

کلیه این گروه‌ها باید به مرکز حزبی محلی متصل بوده و فعالیتهای خود را در ارتباط تشکیلاتی نزدیک با آن به پیش برند.

۵- برای کار حزبی در بین وسیع‌ترین توده‌های پرولتاریا باید گروه‌های منسجم سوسیال دموکراتها را در انجمنهای قانونی مثل انجمنهای کمک متقابل، انجمنهای منع استفاده از نوشابه‌های الکلی و غیره تشکیل داد. در چنین مواردی باید کاملاً آگاه بود که انجمنهای قانونی نمیتوانند جای اتحادیه‌های کارگری مبارز را بگیرند و این که فعالیتهای متشکل پرولتاریا نمیتواند در چارچوب این انجمنها محدود شود.

۶- اتحادیه‌های غیر قانونی باید برای به رسمیت شناخته شدن قانونی خود سرسختانه مبارزه کنند، ولی این موجودیت قانونی نباید باعث کم‌اهمیت شدن وظایف مبارزه جویانه سازمانهای صنفی پرولتاریا شود.

۷۴- ((درباره تعاونیها))

مارس ۱۹۰۸

... سوسیال دموکراتها باید با کار طولانی و پیگیر، تعاونیها را به اتحادیه‌های کارگری و حزب پیوند دهند. این پیوند با توجه به تازگی جنبش تعاونی و خصلت توده‌ای آن، به ویژه ضروری است. سوسیال دموکراتها نباید بدون هیچ‌رد و نشانی در درون این سازمانها ناپدید شوند، بلکه برعکس باید گرد هم جمع شده و تأثیر متحدی باقی گذارند. بدیهی است که سوسیال دموکراتها باید از طریق تعاونیها دائماً افراد جدیدی را برای حزب و اتحادیه‌های کارگری عضوگیری کنند. آنها باید طبق موکدترین اصول دموکراتیک عمل کنند و بدین ترتیب خود انگیزگی توده‌ها و خصلت توده‌ای جنبش را تضمین کنند... وظایف فوری سوسیال دموکراتها در تعاونیها عبارتند از: مبارزه علیه سود بالای سهام و هزینه‌های دریافت وام، تبلیغ برای کارهای فرهنگی و آموزشی بیشتر توسط تعاونیها، درخواست از حزب و اتحادیه‌های کارگری برای کمک و پشتیبانی از کارگران در طول اعتصابها و حرکت‌های دیگر... روابط نزدیک بین تعاونیها و اتحادیه‌های کارگری برای هر دو طرف بینهایت مفید است. در بعضی جاها اتحادیه‌های کارگری با وجوه خود تعاونی باز میکنند که ممکن است در شرایط کنونی به ورشکستگی آنها منجر شود ما در حالی که کوشش اتحادیه‌های کارگری را برای ایجاد تعاونیهای جدید و تقویت تعاونیهای موجود فوق‌العاده مطلوب می‌دانیم، ولی در عین حال به آنها هشدار می‌دهیم که وجوه خود را به این ترتیب صرف نکنند. دارایی اتحادیه‌های کارگری باید برای هدفهای مبارزاتی صرف شود. وجوه تعاونیها باید از طریق جمع‌آوری پرداختیهای اعضای اتحادیه‌های کارگری و اعضای دیگر تعاونی که البته به افراد یک صنف محدود نیست، تأمین شود.

تعاونی باید نه تنها به واسطه ماهیت فعالیتش، بلکه همچنین از لحاظ عضویت نیز یک سازمان پرولتری باشد. این بدان معنی نیست که تعاونی باید مطلقاً و منحصراً از کارگران تشکیل شود. این تنها بدان معنی است که خصلت عام تعاونی و قسمت عمده عضویت آن باید پرولتری باشد. عناصر غیر پرولتری با شرط، یک سهم - یک رأی، به تعاونیها پذیرفته می شوند، البته اگر این امر حرکت مستقل کارگران را به مخاطره نیاندازد.

تنها افرادی که نباید به عضویت یا مدیریت تعاونی پذیرفته شوند، کسانی هستند که در اداره کارخانه کار می کنند یا اینکه کارگران مستقیماً به آنها وابسته هستند و می توانند فشارهای نامطلوب اعمال کنند. تعاونی باید مدرسه ای برای تربیت پرولتاریا جهت فعالیت مستقل باشد. این امر باید نه تنها در مسئول بودن کامل و آشکار بودن مدیریت کلیه امور تعاونی، بلکه همچنین در شیوه اداره مالی تعاونی نیز خود را نشان دهد. تعاونی به جای اینکه گامهایی بر دارد که از همان ابتدا دست و پای کارگران را ببندد یا آنها را وادار به درخواست کمک از بیرون کند، بهتر است که گسترش آرام و تدریجی داشته باشد. در این مورد ما به رفقا هشدار می دهیم که از مدیریت مساعده نگیرند و اعانه هایی را که هرگونه تعهدی در بر داشته باشد، نپذیرند.

هم اکنون کوششهایی در جهت متمرکز ساختن جنبش تعاونی در حال شکل گیری است. به ویژه، قرار است یک کنگره سراسری انجمنهای تعاونی در آینده نزدیک برگزار شود. این حرکت تمرکز طلبانه باید ارتقا داده شود و فعالانه در آن شرکت داشت. سوسیال دموکراتها باید از پیش مسایلی را که قرار است در کنگره بررسی شود، مورد بحث قرار دهند و به عنوان یک گروه منسجم در کنگره ظاهر شوند. اما شرکت فعال در جنبش تعاونی بدین معنا نیست که سوسیال دموکراتها حتی برای یک لحظه مسئولیت عظیمی را که به عنوان تنها رهبران قابل اطمینان این جنبش به عهده دارند - به ویژه در جاهایی که مبتکر این جنبش نیز هستند - فراموش کنند. در اینگونه موارد، هر اشتباهی نه تنها به اضمحلال سازمان کارگری معینی - که فی نفسه بی نهایت ارزشمند است - منجر می شود، بلکه همچنین باعث می شود که توده ها از سوسیال دموکراتها به عنوان کسانی که ظاهراً مسئول این اضمحلال هستند، ناراضی شوند. بدین دلیل است که ما با وظیفه به ویژه مبرم توضیح شرایط ضروری برای گسترش صحیح جنبش تعاونی (آزادی سیاسی، توسعه دیگر جنبه های جنبش کارگران، دستمزدهای کمابیش مکفی، سطح بالای آگاهی توده ها و غیره) و همچنین دقت و احتیاط شدید در اعمال خود روبرو هستیم. برای تشکیل یک تعاونی، باید از پیش زمینه را در بین توده های کارگر فراهم ساخت، وجوه لازم را جمع آوری کرد، رهبران شایسته را پیدا کرد و غیره.

رشد سریع، اغلب پدیده ای ناسالم و مضر است. تنها با کوششهای تدریجی می توانیم تجربه ای را که هم اکنون فاقد آنیم، بیاندوزیم.

کار سوسیال دموکراتها در تعاونیها نه تنها تعاونیها را بر پایه طبقاتی محکمی استوار می کند، بلکه همچنین تأثیر مطلوبی نیز بر گسترش خود حزب سوسیال دموکرات دارد. تعاونیها با متحد

ساختن حتی عقب افتاده ترین لایه های پرولتاریا، آنها را به قلمرو منافع مشترک پرولتری جلب می کند و روحیه فعالیت مستقل و همبستگی را در آنها رشد می دهد...

یادداشت‌های کمیته ترجمه

(۴) تبلیغ و ترویج: ما تبلیغ را در مقابل اصطلاح انگلیسی (agitation) و ترویج را در مقابل (propaganda) آنطور که در ادبیات چپ ایران موسوم است انتخاب کرده ایم، که معادل های دقیقی نیستند. ما ترجیح می دادیم که به جای اصطلاح اول معادل «تهییج» و به جای اصطلاح دوم معادل «تبلیغ» را انتخاب کنیم. ولی برای جلوگیری از اشتباه در ذهن خوانندگان، از آن صرف نظر نمودیم.

(۵) اصطلاحات رایون (Raion)، اوبلاست (Oblast)، ولوست (Volost)، گوبرنیا (Gubernia) و یوزد (Uezd) مربوط به تقسیمات کشوری در روسیه قبل از انقلاب اکتبر است که پس از انقلاب ملغی شد.

(۶) مجمع سیاسی راهنما (Guiding Political Collective) اصطلاحی که منشویکها برای نامیدن نهادهای رهبری خود در هر سطح برگزیده بودند.

(۷) ر. ک. یادداشت شماره ۵.

(۸) ر. ک. یادداشت شماره ۵.

﴿ادامه دارد﴾

تکثیر از: حجت برزگر

۱۳۸۱/۰۳/۲۵

(۲۰۰۲/۰۶/۱۵ میلادی)

آدرس تماس با شبکه نسیم: nasim@swipnet.se